

چرا و چگونه شیطان گاهی مانع رشد و پیشرفت ما و گاهی عامل آن است؟

ارتباط حقیقی شیطان با رشد و پیشرفت انسان چیست؛ آیا شیطان مانع رشد و پیشرفت ماست؟

در زندگی همه ما بعضی از عوامل وجود دارند که مانع رشد و پیشرفت هستند.

• شما چه چیز یا چه کسی را مانع رشد و پیشرفت خود می‌دانید؟

• آیا شما شیطان را به عنوان یک دشمن جدی می‌بینید و او را مانع رشد و پیشرفت خود می‌دانید، یا نسبت به او بی‌تفاوت هستید؟

• آیا اهل مبارزه با شیطان هستید؟

• می‌دانستید شیطان در برخی از افراد، نه تنها مانع رشد و پیشرفت نیست، بلکه باعث رشد آنان است؟! بدون شک همه ما دوست داریم خوشبخت و شاد بوده و مدام در حال رشد و پیشرفت باشیم؛ اما همیشه موانعی در این مسیر وجود دارند که باید با آن‌ها مبارزه کنیم. یکی از مهم‌ترین این موانع شیطان، دشمن قسم‌خورده ما و حملات اوست.^۱ همان‌طور که در دروس قبل نیز اشاره شد، شیطان چهار نوع حمله از سمت جلو، عقب، راست و چپ دارد.^۲

در حمله جلو، ما را از آینده می‌ترساند و موجب ایجاد ترس، نگرانی و اضطراب می‌شود. در حمله عقب گناهان، کدورت‌ها و شکست‌های گذشته را به ما یادآوری می‌کند و باعث می‌شود تا همیشه حسرت و اندوه گذشته را داشته باشیم. در حمله راست نقاط قوت و کمالات ما را دستاویز خود قرار می‌دهد و ما را دچار عجب، غرور و تکبر می‌کند و در حمله چپ با وسوسه‌های خود، موجب می‌شود تا انواع گناهان را مرتکب

^۱ سوره ص، آیه ۸۲

^۲ سوره اعراف، آیه ۱۷

شویم. همین‌طور که می‌بینیم شیطان با حملات چهارگانه خود، ما را دچار غفلت، غم، اندوه، نگرانی و ترس کرده و مانع رشد و پیشرفت و شادی و آرامش ما در دنیا می‌شود.

شاید باورش سخت باشد، اما برخی افراد نه تنها اجازه نمی‌دهند شیطان مانع رشد و پیشرفت آن‌ها شود، بلکه در مبارزه با حملات شیطان رشد کرده و قوی‌تر می‌شوند! زیرا به شیطان به چشم حریف تمرینی نگاه می‌کنند که نگاهی درست هم هست. دنیا باشگاه است و شیطان نیز یک حریف تمرینی است که می‌تواند به قدرت گرفتن و رشد ما در ابعاد گوناگون کمک بسیاری بکند.

اما منظور از رشد و قدرت گرفتن در مبارزه با شیطان چیست و کدام بخش از وجود ما در این مبارزات تقویت می‌شود؟ چرا فقط برخی از ما در این حملات قدرت می‌گیریم و بسیاری از ما به صورت یک‌طرفه دائماً از او ضربه می‌خوریم، یا در برابر او تسلیم می‌شویم؟

شیطان؛ حریف تمرینی بُد انسانی

همان‌طور که می‌دانیم هدف شیطان، گمراه کردن ماست؛ یعنی در کمین ما در صراط مستقیم می‌نشیند^۳ تا با حملات چهارگانه‌اش ما را غافل کند و از رسیدن ما به کمال انسانی جلوگیری کند. از این‌رو، قصد شیطان این است که به بعد انسانی ما ضربه بزند و ما را از معشوق اصلی‌مان یعنی خداوند دور کند. درحالی‌که ما با مبارزه و مقابله با او، نه تنها اجازه این کار را به او نمی‌دهیم، بلکه به دلیل دست و پنجه نرم کردن با این حریف تمرینی، قدرتمندتر نیز می‌شویم.

در واقع شیطان با دستاویز قرار دادن انواع کمالات و معشوق‌های بخش‌های پایینی و زینت دادن آن‌ها در نظر ما، قصد دارد ما را از انس گرفتن با خدا و برقراری ارتباط با او بازدارد؛ بنابراین شیطان حریف بعد انسانی ماست و به همین دلیل، در مبارزه با وسوسه‌ها و حملات این حریف، بخش انسانی ما تقویت می‌شود. این

^۳ سورة اعراف، آیه ۱۶

یک اصل مسلم است که ما برای قوی شدن در هر کاری به تمرین نیاز داریم؛ برای نمونه در رشته‌های ورزشی، تنها با تمرین‌های مداوم و سخت می‌توانیم در رشته مورد نظر، پیشرفت و رشد داشته باشیم. مربی در باشگاه رشته‌های رزمی برای هرکس یک حریف تمرینی قرار می‌دهد. هرچه حریف تمرینی قوی‌تر بوده و حمله‌های شدیدتری داشته باشد، ورزشکار قوی‌تر و به هدف خود نزدیک‌تر می‌شود؛ حتی گاهی دیده می‌شود که ورزشکار از حریف تمرینی خود به دلیل ضعیف بودن ناراضی است و به دنبال یک حریف تمرینی قوی‌تر است تا ضربه‌های قوی‌تر و بیشتری به او بزند. ماجرای ما و شیطان نیز همین است. شیطان در دنیا نقش یک حریف تمرینی را برای ما بازی می‌کند و هرچه بیشتر با او مبارزه کنیم، قوی‌تر می‌شویم؛ البته در صورتی که دشمنی شیطان را پذیرفته باشیم و به طور جدی تصمیم داشته باشیم با او مبارزه کنیم! در غیر این صورت، این مبارزه یک‌طرفه خواهد بود؛ یعنی شیطان مدام به ما ضربه می‌زند و ما را ضعیف و ضعیف‌تر و از هدف خلقت مان دور و دورتر می‌کند.

حملات شیطان؛ فرصت است یا تهدید؟

شیطان برای چه کسانی تهدید و برای چه کسانی فرصت است؟ همان‌گونه که اشاره شد، شیطان دشمن ما بوده و درصدد گمراه کردن و به غفلت کشاندن ماست؛ پس طبیعی است که او را دشمن خود بدانیم^۴ و به فکر مبارزه جدی با او باشیم. همان‌طور که گفتیم این مبارزه روزبه‌روز ما را قوی‌تر خواهد کرد. اما چرا بسیاری از ما یا شیطان را جدی نمی‌گیریم و با او مقابله نمی‌کنیم، یا مقابله با او برای مان سخت است و دائماً به او می‌بازیم؟ شاید تعجب کنید اما پاسخ این است: چون ما خود را به‌درستی نمی‌شناسیم و از ابعاد و زوایای وجود خود آگاه نیستیم. این عدم شناخت سبب می‌شود شیطان از فرصت استفاده کند و همه‌چیز را در نظر ما وارونه جلوه دهد.

^۴ سورة فاطر، آیه ۶

مهم‌ترین کار شیطان این است که اولویت‌های زندگی را ذهن و قلب ما جا به جا می‌کند. اولویت‌های اصلی را به حاشیه می‌برد و مسائل فرعی و حاشیه‌ای را پررنگ و مهم جلوه می‌دهد. شیطان روح ما را برده جسم می‌کند و ترتیبی می‌دهد که از صبح تا شب فقط به نیازها و لذات جسمانی توجه کنیم و روح‌مان را فقیر و گرسنه نگه داریم. شیطان کاری می‌کند که بعد انسانی و من حقیقی ما توسری‌خور و اسیر ابعاد جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلانی شود و نه تنها از رسیدن به هدف خلقت، بلکه حتی از فکر کردن به آن نیز بازماند. با تمام این احوال، مکر شیطان ضعیف بوده و حملاتش قابل تشخیص است؛ چنانچه ما به معرفت نفس دست پیدا کنیم و از نفس و روح خود مراقبت دائمی داشته باشیم، امید شیطان از ما قطع و دستش کوتاه می‌شود؛ اگر ما خود حقیقی‌مان را بشناسیم، بخش فوق عقل یا انسانی‌مان بر سایر بخش‌ها حاکمیت خواهد داشت و نظام محبتی و اولویت‌بندی معشوق‌هایمان درست و به‌قاعده خواهد بود. در این حالت شیطان برای ما تبدیل به یک حریف تمرینی خواهد شد و مبارزه کردن با او، نه تنها مانع رشد و پیشرفت ما نمی‌شود بلکه ما را روز به روز قویتر می‌کند؛ مانند کشتی‌گیری که هرچه بیشتر تمرین می‌کند، قویتر می‌شود.

در این درس گفتیم که شیطان دشمن آشکار ماست و با حملات چهارگانه خود قصد دور کردن ما از کمالات انسانی را دارد. از این رو باید به‌طور جدی او را دشمن خود بدانیم و هوشمندانه با او مبارزه کنیم که در این صورت، همین دشمن نقش حریف تمرینی را برای ما خواهد داشت؛ از این رو، نه تنها مانع رشد و پیشرفت ما در بعد انسانی نمی‌شود، بلکه سبب رشد و تقویت آن نیز می‌شود. دلیل اینکه برخی از ما با شیطان مبارزه نمی‌کنیم یا در مبارزه، مدام به او می‌بازیم این است که خود را انسان معنا نکرده‌ایم؛ یعنی بعد انسانی یا فوق عقل ما بر ابعاد جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی وجودمان غلبه ندارد و نظام محبتی وجودمان در تعادل نیست.